

چکیده:

یکی از مهمترین تقسیم‌بندی‌ها در میان جرائم، تقسیم آن از حیث جنبه عمومی و خصوصی است؛ در تعریف از جنبه عمومی جرائم آمده است جرائم دارای جنبه عمومی بر خلاف جرائم با جنبه خصوصی، تعقیب و رسیدگی آن نیاز به شکایت شاکی نداشته و دادستان به عنوان نماینده جامعه، مکلف است از باب جنبه عمومی جرم به تعقیب متهم پردازد. در خصوص سیاست کیفری ایران در باب جنبه عمومی جنایات می‌توان گفت جنایات عمدی در قوانین قبل از انقلاب که بر اساس نظام مذکور (جنبه عمومی و خصوصی) تدوین شده بودند، مشمول اصل غیر قابل گذشت بودن جرایم بوده و در پرونده‌های قتل، بیشتر جنبه عمومی جرم مدنظر دادگاه‌ها قرار می‌گرفته و به نوعی غلبه جنبه عمومی جرم بر وجه خصوصی آن بیشتر بود. پس از آن در دوره‌ای (قوانین پس از انقلاب تا سال ۱۳۷۰) اصلاً جنبه عمومی جرم موردنظر قانونگذار نبود، بلکه تحت تأثیر نظام حقوق جزای اسلامی، جنایات عمدی به عنوان مصداق بارز حق الناس بوده و بدون غالب ساختن جنبه عمومی بر جنبه خصوصی فقط بحث قصاص و سایر مجازات‌هایی مطرح بود که اگر شاکی گذشت می‌کرد، دیگر مجازاتی وجود نداشت، این سیاست تقنینی به عنوان ابزاری جهت سوءاستفاده قرار گرفت تا افرادی که پول و امکانات دارند بسادگی فردی را از بین می‌برند، و جهی به خانواده مقتول پرداخت و قضیه را حل و فصل کنند و فرد مجرم آزاد می‌شود. این ضعف سیاست کیفری در برخورد با جنبه عمومی و خصوصی جرائم، مقنن را بر آن داشت تا ایرادات پیشین را بيطرف نموده و اولین گام در جهت اصلاح این سیاست تصویب ماده ۲۰۸ ق.م.ا.مصوب ۱۳۷۰ بود که به صراحت برای جرم قتل قائل به جنبه عمومی گردید. قانونگذار در سال ۱۳۷۵ بویژه در ماده ۶۲۲ ق.م.ا. که در این ماده «برای کسانی که به هر علتی قصاص نمی‌شدند، مجازات در نظر گرفته شد» بر سیاست قانونگذار سال ۱۳۷۰ تاکید نمود؛ با این تفاوت که در قانون سال ۱۳۷۵ با تعمیم جنبه عمومی جرائم به جرائم حق‌اللهی و جرائم مخل‌نظم عمومی، قلمرو جنبه عمومی جرائم را افزایش داد. لازم به ذکر است در قوانین کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز سیاست قانونگذار سال ۱۳۷۵ تکرار گردیده است.

واژگان کلیدی: سیاست کیفری، جنبه عمومی جرم، جنایت، حق‌الله، حق الناس